

## انواع قراردادهای نفتی

زهرا رنجبریان<sup>۱</sup>، علی اکبر ناجی میدانی<sup>۲\*</sup>، زینب شعبانی کوشالشاهی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳- دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

### خلاصه

نفت به عنوان ماده اصلی تامین انرژی در جهان کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسیر اهمیت نفت در اقتصاد ایران، از گذشته تا کنون، نوسانات فراوانی را تجربه کرده است. قراردادهای نفتی عموماً جنبه‌ی بین‌المللی دارند و با توجه به تغییرات این قراردادها در اثر تحولات سیاسی و اقتصادی جهان، هر قرارداد از جنبه‌های خاصی حائز اهمیت و مطالعه است. برای این منظور، مقاله حاضر به بررسی سیر تحول قراردادهای نفتی، انواع قراردادهای دولتی، ارکان و اقسام قراردادهای بین‌المللی، وجوه اشتراک و تمایز قراردادهای بین‌المللی، مقایسه انواع قراردادها از نظر مالکیت مخازن، نحوه اعطای قراردادهای نفتی و بیش‌ترین مدل‌های مورد استفاده قراردادها در صنعت نفت پرداخته شده است. می‌توان گفت نوع قرارداد تنها چارچوب و ظرفی برای تقسیم منافع ناشی از همکاری است. از این نظر، این که چه نوع قراردادی در چه شرایطی بتواند منافع طرفین قرارداد را تامین کند و ظرف قرارداد با چه مظلوفی پر شود، به عوامل متعددی بستگی دارد. مناسبات سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی و قوانین داخلی کشورهای میزبان از جمله عواملی است که ممکن است عقد شکل خاصی از قرارداد را شدنی یا به عکس از عقد شکل دیگری از قرارداد جلوگیری کند.

**کلمات کلیدی:** نفت، قرارداد، شرکت ملی نفت ایران، امتیاز، مشارکت، بیع متقابل، IPC

### ۱- مقدمه

نفت به عنوان ماده اصلی تامین انرژی در جهان کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و بدون تردید الگوی شناخته شده فعلی زندگی در قسمت اعظم دنیای امروز بدون تولید و مصرف انبوه نفت غیرممکن خواهد بود. از طرف دیگر قسمت عمده و اساسی ذخایر شناخته شده نفت در نقاط مشخصی از جهان قرار گرفته، و در این میان ایران از جمله کشورهای نفت‌خیز جهان می‌باشد که دارای ذخایر نفتی فراوان می‌باشد و از این نظر همواره مورد توجه قرار گرفته است. مسیر اهمیت نفت در اقتصاد ایران از زمان گذشته تا به حال دارای نوسانات فراوانی بوده است. در طول زمان گذشته دورانی را می‌شناسیم که نفت در اقتصاد ایران نقش اساسی را به عهده داشته و زمانی هم بوده که به مقتضای شرایط سیاسی و اقتصادی و به خاطر روابط با کمپانی‌های بهره‌بردار از این موقعیت نسبتاً کاسته شده است، که در این بین قراردادها نقش مهمی را ایفا نموده‌اند.

\*نویسنده مسئول، ایمیل: naji@um.ac.ir

قبل از انقلاب در راستای صادرات نفت و فروش آن قراردادهای مختلفی بین ایران و دیگران منعقد گردید، و بدین طریق امتیازات مختلفی از نظر نفتی اعطا گردید [۱]. قراردادهای نفتی عموماً جنبه‌ی بین‌المللی دارند و با توجه به تغییرات این قراردادها در اثر تحولات سیاسی و اقتصادی جهان، هر قرارداد از جنبه‌های خاصی حائز اهمیت و مطالعه است. تاریخ تحولات صنعت نفت و گاز در جهان ثابت می‌کند که نفع کشورهای نیازمند انرژی نیز در برقراری توازن و تعادل قرارداد است؛ نه اخذ امتیازات انحصاری طولانی مدت. عدم توجه به این مهم در طول تاریخ یکصد ساله‌ی نفت ایران، به شدت بر قراردادهای نفتی بین‌المللی کشور تأثیر گذارده است. حتی در سال‌های پس از انقلاب نیز به دلیل بدبینی به مدل‌های قراردادی امتیازی و مشارکتی از یک سو و نیاز شدید صنعت نفت به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه‌ی میادین نفت و گاز از سوی دیگر، قوانین و مقررات نفتی تغییرات عدیده‌ای داشته‌اند. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در بخش صنعت نفت تأکید فراوانی بر افزایش تولید نفت و گاز شده است. بر این اساس، ایران باید تولیدکننده‌ی ۷ درصد از نفت جهان باشد و تا سال هدف باید ظرفیت تولید نفت خام به هفت میلیون بشکه در روز و ظرفیت تولید گاز به ۹۰۰ میلیون مترمکعب در روز برسد. از جمله ضروری‌ترین ابزار رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز، تدوین و معرفی مدل‌های قراردادی است که هم تأمین‌کننده‌ی منافع کشور باشد و هم در بازار رقابت بین‌المللی، مزیتی نسبی برای تعامل با ایران به شمار رود [۲].

یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه مسائل نفت را می‌توان مربوط به انواع قراردادهای نفتی دانست. هر چند که نکته مورد تأکید تمامی صاحب‌نظران این است که قرارداد یک بستر است و بستگی به ویژگی‌های خاص هر منطقه و هر کشوری می‌تواند قابلیت خاصی را از خود بروز دهد، هر چند که هر یک از قراردادها از نظر ذاتی و عرضی ویژگی‌هایی دارند که می‌تواند تحت عنوان اشکالات ذاتی و عرضی از آن‌ها بحث کرد [۳]. در این راستا پژوهش حاضر، به بررسی انواع قراردادهای نفتی می‌پردازد. برای این منظور، مقاله در بخش‌های مختلفی از جمله سیر تحول قراردادهای نفتی، انواع قراردادهای دولتی، ارکان قرارداد بین‌المللی، اقسام قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران از قراردادهای امتیازی ۱۹۰۱ (استاندارد) تا قرارداد جدید نفتی ایران (IPC) و تفاوت اصلی آن با قراردادهای بیع متقابل، وجوه اشتراک و تمایز قراردادهای بین‌المللی نفتی، مقایسه انواع قراردادها از نظر مالکیت مخازن، نحوه اعطا قراردادهای نفتی، بیش‌ترین مدل‌های مورد استفاده قراردادهای، ملاحظاتی پیرامون انواع قراردادهای، آشنایی با انواعی دیگر از قراردادهای در صنعت نفت و در نهایت نتیجه‌گیری تدوین شده است.

## ۲. نگاهی به سیر تحول قراردادهای نفتی در ایران

صنعت نفت ایران تاکنون سه نوع عمده قرارداد نفتی در حوزه اکتشاف، استخراج و توسعه میادین نفتی تجربه کرده است. نخستین چارچوب قرارداد نفتی در کشور، قراردادهای حق‌الامتیازی<sup>۱</sup> بوده است. تا سال ۱۹۵۱ که نفت ایران ملی شد، هر دو بخش عملیات بالادستی و پایین‌دستی نفت ایران به موجب قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ اداره می‌گردید<sup>۲</sup>. با تصویب قانون نفت در سال ۱۳۳۶، ایران طرح نوین دیگری را تحت عنوان قرارداد مشارکت تجویز کرد که این نوع قراردادها، دومین چارچوب مورد استفاده در صنعت کشور محسوب می‌شد. در این قانون، دو مدل از مشارکت پیش‌بینی شده بود: اول، شرکت ملی نفت ایران و شرکت سرمایه‌گذار خارجی، شرکت ثالثی را تشکیل و ناحیه معینی را در اختیار آن شرکت

<sup>۱</sup> Concession

<sup>۲</sup> قرارداد های امتیازی دارسی (۱۲۸۰ ه.ش)، شرکت نفت انگلیس و ایران (۱۳۱۲ ه.ش)، شرکت امریک ایران (۱۳۱۵ ه.ش) و شرکت هلندی (۱۳۱۸ ه.ش) از جمله قراردادهای مطرح هستند که مختص حوزه اکتشاف نفت و گاز بین طرف‌های خارجی و حاکمیت وقت ایران منعقد گردید. به طور کلی، مفاد قراردادهای امتیازی صنعت نفت ایران، فارغ از رویکردهای انتقال فناوری، مدیریت دانش و زمینه‌سازی تحقق ابعاد آن ارزیابی می‌شود (کازمی، ۱۳۹۳).

می‌گذاشتند و آن شرکت کلیه عملیات نفتی را به صورت انحصاری انجام می‌داد و از محل درآمد اکتسابی، مالیات دولت ایران را پرداخت می‌نمود. مفاد بند ۴ ماده ۱ قانون نفت ۱۳۳۶ در خصوص این سازمان مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نوع دوم، به جای سازمان مشترک، دستگاه مختلطی توسط طرفین قرارداد با سهام مساوی به وجود می‌آید که این دستگاه فاقد شخصیت حقوقی بود (بند ۵ ماده ۱ قانون نفت ۱۳۳۶) و به نظر اساتید از لحاظ حقوقی شبیه شرکت در قانون مدنی بوده و این شرکت مدنی به عنوان دستگاه مختلط، کلیه عملیاتی را که مورد توافق طرفین بود، انجام می‌داد<sup>۱</sup>. [۴]

سومین تحول قانونی و قراردادی مربوط به قانون نفت ایران (۱۳۵۳) اصولاً قرارداد مشارکت را که مستلزم به رسمیت شناخته شدن حق تملک شرکت خارجی به نفت استحصال شده در سرچاه بود، ممنوع دانست و منحصرأ قرارداد خدمت را به عنوان قالب مناسب برای روابط حقوقی شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های خارجی در زمینه اکتشاف، توسعه و تولید تجویز کرد.

ماهیت قراردادهای خدماتی بخش بالادستی<sup>۲</sup> متأثر از این واقعیت است که به دنبال استقلال بسیاری از کشورهای صاحب نفت و با استناد به حاکمیت ملی نسبت به منابع زیرزمینی، دولت‌ها به نحو موثر نسبت به کنترل نحوه اکتشاف، استخراج، تولید و انتقال منابع نفتی و گازی در سرزمین خود اقدام می‌کنند و در این رابطه دارای مقررات آمرهای هستند تا شرکت‌های خارجی تحت هیچگونه قراردادی از امتیازات مالکانه برخوردار نگردند [۵]. قانون نفت ۱۳۵۳ دومین قانون نفت کشور است و نکته حائز اهمیت اینکه قبل از این قانون، کلیه قراردادهای نفتی می‌بایست به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا برسد در حالی که به موجب این قانون، تایید هیات وزیران کفایت می‌کند<sup>۳</sup>. قراردادهای منعقد بر اساس این قانون شش مورد می‌باشد. برخی صاحب‌نظران بر این اعتقاد هستند که قراردادهای خدماتی نظیر قرارداد پیمانکاری ارباب ساختاری کاملاً مشابه با قراردادهای بیع متقابل دارد و می‌توان این قرارداد را به لحاظ تاریخی نقطه شروع قراردادهای بیع متقابل دانست [۶].

مروری بر متن قراردادهای موصوف گویای آن است که هر شش قرارداد از ساختار و مفاد یکسان تشکیل شده‌اند و بند "و" ماده (۸) این قراردادها تا حدودی زمینه ساز توسعه منابع انسانی و ایجاد ابعاد مدیریت دانش می‌باشد<sup>۴</sup>. در واقع، قراردادهای خدماتی سرمنشا زمینه‌سازی انتقال دانش فنی و توجه به ابعاد مدیریت دانش در مفاد قراردادهای نفتی ایران است.

<sup>۱</sup> بر مبنای این قانون، ۱۲ فقره قرارداد مشارکتی با شرکت‌های خارجی در صنعت نفت ایران منعقد شده است و عموماً از نوع مشارکت در سرمایه‌گذاری می‌باشد. در سیر تاریخی این مدل قراردادی، مقوله توسعه منابع انسانی داخلی در مقایسه با قراردادهای مشارکتی قبلی مورد توجه فزاینده قرار گرفته است.

<sup>۲</sup> Upstream Service Contract

<sup>۳</sup> از قانون نفت مصوب سال ۱۳۵۳

ماده ۳- اجازه مذاکره و انعقاد قرارداد:

منابع نفتی و صنعت نفت ایران ملی است و اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی ایران در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید، بهره‌برداری و پخش نفت در سرتاسر کشور و فلات قاره منحصراً به عهده شرکت ملی نفت ایران است که رأساً یا به وسیله نمایندگی‌ها و پیمانکاران خود در آن باره اقدام خواهد کرد. شرکت ملی نفت ایران می‌تواند به منظور اجرای عملیات اکتشاف و توسعه نفت در بخشهای آزاد نفتی با هر شخص اعم از ایرانی و خارجی وارد مذاکره شود و قراردادهایی را که مقتضی بداند بر مبنای پیمانکاری و با رعایت مقررات و مصراحت این قانون تنظیم و امضاء نماید. قراردادهای مزبور بعد از تایید هیات وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

<sup>۴</sup> بند "و" ماده ۸ قراردادهای مشارکتی: کارکنان پیمانکار کل بایستی ایرانی باشند و فقط در مواردی که کارکنان فنی متخصص مورد نیاز بوده و چنان کسی از ایرانیان در دسترس نباشد، پیمانکار کل می‌تواند با کسب اجازه قبلی از شرکت ملی نفت ایران به استخدام غیر ایرانیان مبادرت ورزد مشروط بر اینکه پیمانکار کل تعهد نماید که ایرانیان را در همان زمینه تخصص آموزش دهد تا جانشین کارکنان غیرایرانی مزبور گردند. (امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۱)

با وقوع انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ بسیاری از شرکت‌های خارجی فعال در عرصه نفت و گاز کشور سطح فعالیت‌های خود را در ایران تقلیل داده یا به حالت تعلیق درآوردند.<sup>۱</sup> این فعل و انفعالات با مصوبه شورای انقلاب وقت در سال ۱۳۵۸ تشدید شد، به‌گونه‌ای که عملاً بسیاری از قراردادهای جاری نفت و گاز کشور با طرف‌های خارجی از جمله قرارداد جدید کنسرسيوم در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی معروف به آسکوآبه صورت یکجانبه از طرف ایران فسخ گردید. از این رو، شرکت ملی نفت ایران که با توجه به تکالیف قانونی، خود را نسبت به فراهم‌سازی امکانات مالی و عملیاتی مناسب برای این دست فعالیت‌ها متعهد می‌دید، مجبور شد رأساً و از محل منابع عمومی بودجه کشور اقدام به تامین مالی پروژه‌های مربوط به این حوزه بنماید. در هر حال، به دلایلی مانند ماهیت پرریسک و غیرقابل انتظار فعالیت‌های بالادستی و نیز محدودیت‌های درآمدی و ارزی که روش‌های تامین مالی و پیمانکاری بدون ریسک بر کشور تحمیل می‌نمود، به تدریج زمینه برای استفاده از ظرفیت‌های مالی و مهندسی افراد خارجی در این حوزه فراهم گردید [۷].

پس از انقلاب اسلامی و در ابتدای دهه هفتاد برای اولین بار، نمونه‌ای از بیع متقابل در حوزه نفتی ایران منعقد شد. در این برهه زمانی، مجلس به شرکت ملی نفت ایران اجازه داد تا قراردادهایی جهت توسعه میدان‌های نفتی و گازی با شرکت‌های متخصص خارجی منعقد نماید به شرط اینکه تمام هزینه‌ها از طریق تخصیص بخشی از تولیدات این میدان‌ها یا عواید حاصل از فروش آن بازپرداخت گردد.<sup>۲</sup> متعاقب آن نیز برنامه‌های پنج‌ساله توسعه چشم‌اندازها و تکالیفی را برای صنعت نفت در پرتو قراردادهای بیع متقابل ترسیم می‌کردند [۸].

قرارداد بیع متقابل، زیرگروه قراردادهای خرید خدمت<sup>۴</sup> محسوب می‌گردد. این نوع قرارداد از دو یا چند قرارداد مجزا تشکیل شده است که قرارداد نخست، قرارداد خرید تکنولوژی، تجهیزات، خدمات و غیره از طرف کشور سرمایه‌پذیر (میزبان) است و قراردادهای بعدی، قرارداد فروش محصولات تولیدی همان سرمایه‌گذاری، به کشور یا شرکت سرمایه‌گذار، جهت استهلاك هزینه‌ها، سود سرمایه و بهره مربوط به سرمایه‌گذار است. به بیان دیگر، به موجب این قرارداد، شرکت خارجی کلیه هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری اعم از خرید تجهیزات، نصب، راه‌اندازی و کلیه هزینه‌های مربوط به استفاده از نیروی انسانی و هزینه‌های عملیاتی را تا مرحله توسعه میدان نفتی یا گازی خاص تامین می‌کند و بعد از آنکه تولید به سطح مقرر در قرارداد رسید، کلیه تجهیزات را در اختیار شرکت ملی نفت قرار می‌دهد و در مقابل، شرکت ملی نفت توافق می‌کند که کلیه خدمات پیمانکار طرف قرارداد را اعم از هزینه‌ها، حق‌الزحمه و سود، از طریق فروش مستقیم نفت یا گاز حاصل از میدان، به پیمانکار طرف قرارداد جبران کند یا از طریق تخصیص عواید حاصل از سهم گاز یا نفت طرف قرارداد که توسط شرکت ملی نفت به طرف‌های ثالث فروخته شده است، طی اقساط معین و در مدت زمان معلوم جبران کند.

نسل اول قراردادهای بیع متقابل با روش قراردادهای اکتشاف یا توسعه میادین نفت و گاز مورد تاکید قرار گرفت. به عبارت دیگر، در فرایند مراحل مختلف بهره‌برداری میدان از اکتشاف تا تولید و استخراج برای هر یک از مراحل، قرارداد

<sup>۱</sup> قبل از انقلاب اسلامی ایران بالغ بر ۱۲ قرارداد خدماتی با شرکت‌های خارجی در حوزه بالادستی نفت و گاز منعقد گردید که برخی از آنها به دلیل تقارن دوره اکتشاف با تحولات سیاسی وقت (انقلاب اسلامی) به مرحله تولید و بهره‌برداری نرسید. تعدادی از این قراردادهای نخستین بستر حقوقی و قراردادی را برای تحقق برخی ابعاد مدیریت دانش و کسب مهارت‌های فنی و تربیت نیروی انسانی فراهم ساخته بود. (امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۱)

<sup>۲</sup> Oil Service Company

<sup>۳</sup> بند(ب) تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور: به منظور ظرفیت‌سازی مورد نیاز کشور در زمینه‌های تولید نفت خام، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی جهت اجرای طرح‌های توسعه ..... شرکت ملی نفت ایران اختیار خواهد داشت رأساً حداکثر تا مبلغ ۳/۵ میلیارد دلار پس از تأیید هیأت وزیران قراردادهای لازم را به صورت بیع متقابل با شرکت‌های ذیصلاح خارجی منعقد نماید به نحوی که بازپرداخت اقساط سالیانه به صورت مساوی..... و از محل فروش تولیدات این طرح‌ها به قیمت روز صورت پذیرد و هیچ‌گونه تعهدی برای دولت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دیگر بانک‌های کشور ایجاد نکند. قراردادهای مذکور بایستی به نحوی منعقد گردد که شرکت‌های خارجی به انتقال دانش فنی و تکنولوژی و آموزش نیروی انسانی و استفاده حداکثر از توان موجود کشور در زمینه‌های طراحی و مهندسی، ساخت و نصب تجهیزات و ماشین‌آلات ملزم گردند.

<sup>۴</sup> Service Contracts

جداگانه‌ای منعقد می‌شد. شرکت‌های زیادی در چارچوب این نوع قراردادها وارد همکاری در حوزه نفت و گاز با ایران شدند و بسیاری از بلوک‌های نفتی را به خود اختصاص دادند، اما به زودی دریافتند که ریسک این نوع قراردادها بسیار زیاد است. زیرا بر اساس این نوع قراردادها، شرکت‌های نفتی بعد از سرمایه‌گذاری هنگفت در حوزه اکتشاف و انجام عملیات مختلف مطالعات اکتشافی و تشخیص تجاری بودن توسعه میدان، برای ادامه کار (توسعه و بهره‌برداری) در یک فرایند مناقصه‌ای با سایر شرکت‌هایی که به هیچ عنوان در جریان امور مربوط به اکتشاف نبودند، رقابت می‌کردند و اگر نمی‌توانستند عنوان برنده مناقصه را کسب و توسعه میدان را به خود اختصاص دهند، صرفاً اصل سرمایه و سود آن را دریافت و از کشور خارج می‌شدند. از آنجا که شرکت‌های نفتی موافق قراردادهای نسل اول نبودند، این نوع قراردادها مورد بازنگری مجدد قرار گرفت و به قراردادهای توام با اکتشاف و توسعه (نسل دوم) تغییر کرد. مطرح شدن این نوع قراردادها باعث شد شرکت‌های بزرگ نفتی برای حضور در ایران ترغیب شوند [۹].

نسل دوم قراردادهای بیع متقابل، متعاقب قانون بودجه سال ۱۳۸۲ شکل گرفت که بر اساس آن، شرکت ملی نفت ایران مجوز انعقاد قراردادهای بیع متقابل را با شرکت‌های خارجی به صورت توامان برای اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز دریافت نمود [۱۰]. از مهمترین ایرادهای وارد به قراردادهای نسل اول و دوم، ثابت بودن سقف قیمت قراردادها بود که همان طور که اشاره شد، پس از طفره رفتن شرکت‌های نفتی خارجی از بستن قراردادهای با سقف معین قیمتی در ایران، باعث می‌شد این شرکت‌ها علاوه بر ناتوانی از افزودن مبالغ دلخواه به هزینه‌های قرارداد، برای کم کردن هزینه‌ها، خود را مکلف به پایان دادن قرارداد در مدت زمان معقولی بدانند. از این رو، شرکت‌های مذکور نوع دیگری از قرارداد را با مناسبات مالی و حقوقی جدیدی با عنوان مناقصه باز پیشنهاد کردند که به عنوان یکی از گونه‌های قراردادهای بیع متقابل (نسل سوم) دسته‌بندی می‌شود و بر خلاف قراردادهای پیشین، سقفی برای پرداخت قرارداد وجود ندارد و سقف قرارداد پس از انجام کامل مناقصه‌های مربوط به مهندسی پایه و تامین کالا تعیین می‌شود.

از جمله دیگر ایرادهای وارد به قراردادهای نسل اول و دوم این بود که پس از اتمام فعالیت پیمانکار و آغاز جریان تولیدی تعهد شده، پیمانکار بازپرداخت هزینه‌های خود را دریافت می‌کرد که این امر هم مورد اعتراض برخی از شرکت‌های پیمانکاری قرار گرفت. در همین راستا، شرکت توتال پیشنهادی ارائه داد که بر اساس آن، به محض شروع تولید نفت از میدان، شرکت ملی نفت پرداخت‌های پیمانکار را آغاز کند و آن را به تحقق تولید تعهد شده موقوف نماید تا از این طریق، شرکت پیمانکار هم بتواند سریع‌تر به تعهدات خود عمل کند. بر اساس این پیشنهاد شرکت توتال، ضمیمه‌ای به قرارداد با عنوان توافق دوجانبه اضافه شد که بر اساس آن، اگر تولید قبل از زمانی که تعهد داده‌اند آغاز شود، بازپرداخت هزینه‌های پیمانکار از محل تولید نیز انجام پذیرد.

در سومین بازنگری که منجر به تکوین نسل سوم قراردادهای بیع متقابل گردید، استخراج هم به مفاد قراردادها اضافه شد و به قراردادهای بیع متقابل توسعه و توام با اکتشاف و استخراج تغییر نام داد و قرار بر این شد که برای برنامه توسعه میدان که شرکت نفتی ارائه می‌دهد سخت‌گیری زیادی صورت نگیرد و صرفاً روی مبلغ قرارداد مذاقه شود و علاوه بر آن، سقف قرارداد بر خلاف قراردادهای قبلی ثابت و بسته نباشد. همچنین قانون حداکثر استفاده از توان فنی مهندسی ایرانی رعایت شود و پیمانکار نیز موظف به انتقال تکنولوژی به نیروهای ایرانی گردد. شاخص‌ترین قراردادی که براساس نسل سوم منعقد شد، قرارداد توسعه میدان دارخوین بود که شرکت پیمانکار به سبب دانش کاملی که در مورد میدان کسب کرده بود با پذیرش کل ریسک حاضر به توسعه میدان شد و تعهد تولید ۵۰ هزار بشکه در سال اول و بعد از آن، با انجام عملیات تزریق گاز ۱۶۰ هزار بشکه در روز را تولید نمود در حالی که انتظار حداکثر تولید ۲۵ هزار بشکه در روز بود [۹].

بر اساس نسل سوم قراردادهای بیع متقابل، چندین قرارداد بزرگ در بخش بالادستی نفت و گاز با شرکت‌های بین‌المللی منعقد شد. این نسل از قراردادهای بیع متقابل تلاش نموده است تا به نیازها و مقتضیات جدید پروژه‌های بالادستی

پاسخ مناسب دهد و قراردادهای بیع مقابل را به بلوغ حرفه‌ای خود برساند تا جایی که در حد استانداردهای بین‌المللی، قابلیت جذب سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز را داشته باشد [۱۱].

تحولات جدید قانونی در صنعت نفت و گاز کشور بویژه قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰مکان طراحی قراردادهای بیع متقابل نسل چهارم را نیز فراهم می‌سازد که در این صورت، سرمایه‌گذار خارجی قادر خواهد بود علاوه بر حضور در دوره اکتشاف و توسعه میدان، در دوره تولید و بهره‌برداری نیز بدون حق مالکانه نسبت به ذخایر نفتی و گازی یا منابع تولیدی نفت و گاز، حضور طولانی مدت داشته باشد بدون آنکه حاکمیت کشور در سلطه بر منابع نفت و گاز، تحت تاثیر قرار گیرد [۱۲].

بر این مبنا، در دولت یازدهم، مقوله بازنگری قراردادهای نفتی ایران و طراحی الگوی جدید قراردادهای نفتی موسوم به IPC که به تعبیری همان نسل چهارم بیع متقابل می‌باشد، کلید خورد و با صدور مصوبه شماره ۵۷۲۲۵/ت/۵۳۳۷۶ ه مورخ ۹۵/۵/۱۳ هیات وزیران تحت عنوان شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز بستر قانونی انعقاد آن نیز فراهم گردید [۱۳].

### ۳. انواع قراردادهای دولتی

شاید بتوان قراردادهایی را که به وسیله دولت امضا می‌شود به سه دسته تقسیم کرد:

۱- قراردادهایی که دولت با دولت‌های دیگر و سایر تابعین حقوق بین‌الملل منعقد می‌نمایند و این قراردادها و تعهدات تابع حقوق بین‌الملل عمومی هستند.

۲- قراردادهایی که دولت‌ها در داخل خاک خود با اشخاص غیرتابعین حقوق بین‌الملل تنظیم می‌نمایند و جز عوامل حقوق داخلی هیچ عامل دیگری را در آن دخالت نمی‌دهند که این قراردادها تابع حقوق داخلی کشور امضا کننده قرارداد است.

قراردادهایی که دولت‌ها با اشخاص خصوصی خارجی اعم از حقوقی و یا حقیقی منعقد می‌نمایند و با میل و اراده قبول می‌کنند که روابط ایجاد شده از آن قرارداد تابع احکام حقوقی غیر از احکام حقوق ملی و داخلی آن‌ها باشد که این قراردادها قراردادهای بین دول و موسسات عمومی دولتی با اشخاص خصوصی خارجی یا قراردادهای نیمه بین‌المللی هم نامیده شده‌اند و قراردادهای نفتی مورد بحث نیز جز همین دسته ذکر می‌گردند و International Oil Contract به آنها اطلاق می‌شود.

### ۴. ارکان قرارداد بین‌المللی

هر قرارداد بین‌المللی دارای چهار رکن به شرح زیر است:

اول: دول امضاءکننده قرارداد بین‌المللی باید بر طبق حقوق بین‌المللی قابلیت امضاء قرارداد را داشته باشند.

دوم: قصد طرفین باید این باشد که بر طبق حقوق بین‌المللی عمل کنند.

سوم: حاکمیت اراده و قصد و رضای طرفین باید تلاقی نماید و متحد شود و چنانچه قصد و رضا در یک زمان تلاقی

ننماید دیگر به آنچه عمل شده قرارداد نمی‌توان گفت بلکه در اصطلاح حقوق بین‌المللی اینگونه اعمال را Unilateral

Declaration می‌گویند که به معنای اعلام سیاست یا تصمیم یکطرفه است و آن هم به جای خود الزام‌آور است و این

مورد از مواردی است که قواعد حقوق بین‌المللی با قواعد حقوق خصوصی اختلاف دارند زیرا در حقوق خصوصی عقود باید

دو طرف داشته باشند تا تعهدآور باشند.

چهارم: قصد ونیت طرفین در قبول تعهدات بین المللی باید بر این مبنا باشد که تعهدات و حقوق قانونی برای خود ایجاد کنند و همین ویژگی، یک قرارداد بین المللی را از یک «اعلامیه» مانند منشور «آتلانتیک» که صرفاً یک اعلام سیاست است و تنها یک تعهد اخلاقی بر مبنای قول و شرافت Genteleman Agreement می باشد متمایز می کند.

## ۵. اقسام قراردادهای بین المللی نفتی ایران

کلیه قراردادهای بین المللی نفتی منعقد شده ایران از ابتدا تا کنون را می توان به طور عمده به ۷ دسته متمایز زیر طبقه بندی کرد:

- ۱- قراردادهای استاندارد (معروف به دوران امتیاز تا ملی شدن صنعت نفت ایران)
- ۲- قراردادهای کنسرسيوم (کنسرسيوم اول به سال ۱۳۳۳ معروف به ۵۰-۵۰)، (کنسرسيوم دوم به سال ۱۳۵۲ معروف به قرارداد تجدید نظر در کنسرسيوم اول)
- ۳- قراردادهای مشارکت (معروف به ۲۵-۷۵)
- ۴- قراردادهای خرید خدمت (معروف به پیمانکاری)
- ۵- قرارداد فروش و خرید نفت ایران (معروف به کنسرسيوم دوم به سال ۱۳۵۲)
- ۶- قراردادهای فروش مستقیم (معروف به پایاپای)
- ۷- قراردادهای بیع متقابل (معروف به بای بک) [۱۴].

## ۵-۱- قراردادهای امتیازی ۱۹۰۱ (استاندارد)

بر اساس نخستین قرارداد، در سال ۱۲۸۰ خورشیدی امتیاز تفحص (اکتشاف)، استخراج (تولید)، حمل و نقل، فروش نفت و مشتقات آن و اجازه ی انجام تمامی عملیات در سراسر کشور به جز پنج استان شمالی به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس دارسی اعطا شد که این قرارداد تا ۱۳۱۱ ادامه داشت. به موجب این قرارداد دولت به عنوان مالک مخزن و میدان نفتی، مخزن را به شرکت واگذار می کرد و شرکت سرمایه گذاری، عملیات اکتشاف، توسعه، بهره برداری و بازاریابی را بر عهده می گرفت. در مقابل این هزینه ها شرکت سرمایه گذار، نفت تولیدی را به فروش رسانده و از درآمد آن، بهره ی مالکانه، حق الارض و درصدی از درآمد خالص را به عنوان مالیات به دولت می پرداخت.

در این قرارداد شرکت عامل، مالکیت، حاکمیت و تصدی گری را عهده دار است و در طول تمامی دوران این قرارداد امتیازی، شرکت نفت انگلیس و ایران به عنوان شرکت عامل فعالیت می کرد. طبق قرارداد دارسی ۱۶ درصد از منافع خالص شرکت به ایران پرداخت می شد. در سال ۱۳۱۱ این قرارداد به طور یک جانبه توسط دولت ایران لغو شد و یک سال بعد قرارداد امتیازی دیگری به جای آن امضاء و مبادله گردید.

در مقابل، شرکت عامل بر اساس امتیاز، پرداخت را بابت نفت و گاز تولیدی و به دو نوع مختلف به صاحب مخزن انجام می دهد؛ یکی پرداخت حق الارض یا بهره ی مالکانه و دیگری درصدی از درآمد خالص در قرارداد امتیازی. ذخایر نفت و گاز و تمامی تولید به شرکت عامل متعلق بوده و در دوره ی امتیاز، این شرکت بر تمامی عملیات حاکمیت دارد. در قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ میلادی) به علت تغییر سیستم، درآمد دولت ایران عبارت بود از ۴ شیلینگ انگلیس به ازای هر تن نفت صادراتی به اضافه ی ۲۰ درصد سود سهام.

## ۵-۲- قرارداد کنسرسيوم اول به سال ۱۳۳۳ معروف به ۵۰-۵۰

این قرارداد پس از ملی شدن صنعت نفت که بر مبنای حاکمیت، مالکیت و تصدی گری ملت بر تمامی تأسیسات و مخازن نفتی به تصویب رسیده بود و متعاقب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مورد بهره برداری از منابع نفت ایران، بین شرکت ملی نفت و کنسرسیومی مرکب از هشت شرکت بزرگ نفتی که با یکدیگر کنسرسیومی بین‌المللی را تشکیل داده بودند به امضاء رسید. این هشت شرکت شامل پنج شرکت آمریکایی (که بعداً تعداد آنها به هفده شرکت با ۴۰ درصد سهام افزایش یافت)، شرکت انگلیسی بریتیش پترولیم با ۴۰ درصد سهام، شرکت هلندی-انگلیسی شل با ۱۴ درصد سهام و شرکت سی اف پی فرانسه با ۶ درصد سهام بودند. مدت این قرارداد ۲۵ سال و برای سه دوره پنج ساله‌ی ذکر شده قابل تمدید بود. اهم رؤوس این قرارداد به شرح زیر بود:

الف) واگذاری حق اکتشاف، استخراج، تصفیه و حمل و نقل در حوزه‌ی قرارداد و اعطای حق استفاده‌ی قسمتی از اموال و دارایی موجود در این حوزه.

ب) تشکیل دو شرکت به نام شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران و شرکت تصفیه‌ی نفت ایران به عنوان شرکت‌های عامل نفت کشور (که در هلند به ثبت رسید) و عضویت دو نفر ایرانی در هیأت مدیره‌ی هر یک از این شرکت‌ها جهت انجام وظایف.

ج) تقسیم ۵۰-۵۰ منافع و احتساب آن بر مبنای بهای اعلام شده‌ی نفت در خلیج فارس. حاکمیت کامل فروش و تولید در دست اعضای کنسرسیوم بود و طبق ماده‌ای از قرارداد، درآمد ایران طوری بود که می‌توانست تا معادل ۴ برابر قبل از ملی شدن نفت برسد. علاوه بر آن توافق شد ۱۲/۵ درصد قیمت اعلام شده‌ی فروش نفت خام صادراتی به عنوان حق-الارض به ایران پرداخت گردد.

د) تعهد شرکت‌های عامل نفت ایران به تأمین تمامی مواد نفتی مورد نیاز مصرف داخلی کشور، فروش آن به بهای تمام شده به شرکت ملی نفت ایران و احوالی انجام عملیات غیرصنعتی از قبیل بهداری، منازل، ساختمان، آموزش، حفاظت، حمل و نقل، خواربار، امور اجتماعی و ... به شرکت ملی نفت ایران و با هزینه‌ی عمومی شرکت‌های عامل. در قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳، درآمد دولت عبارت بود از ۵۰ درصد قیمت اعلام شده منهای هزینه‌ی تولید از هر بشکه نفت صادراتی.

### ۳-۵- قراردادهای مشارکت (معروف به ۲۵-۷۵)

طی ۱۰ سال بعد از زمان عقد قرارداد کنسرسیوم، به دلیل اینکه برخی کارشناسان نفتی از قرارداد الحاقی شماره‌ی-۱۰ ناراضی بودند و انعقاد قراردادهایی به این شکل را منطقی نمی‌دانستند، راه حل جدیدی جهت عبور از چارچوب قراردادهای سنتی امتیازی و رسیدن به نوع جدیدی از قرارداد به نام مشارکت پیشنهاد کردند. در قراردادهای امتیازی سابق سرمایه‌گذار تمامی هزینه‌ها را تقبل می‌کرد و در طول مدت امتیاز، مخازن نفت و گاز، تولید، اکتشاف، بهره برداری، حاکمیت و فروش آن متعلق به همان سرمایه‌گذار بود. همچنین سرمایه‌گذار جهت اجرای این موارد شرکت عاملی تأسیس می‌کرد که عملیات امور نفت را در اختیار آن قرار می‌داد. اما دولت امتیازدهنده هیچ گونه اختیاری نداشت. در این گونه قراردادهای مشارکت، حقوق مالکانه متعلق به دولت بوده و شرکت خارجی مکلف به پرداخت مالیات و آموزش نیروی انسانی است.

نخستین قرارداد مشارکت در ایران یک ماه پس از تصویب قانون نفت ۱۳۳۶ با شرکت ایتالیایی آجیپ مینراریا منعقد شد و به موجب آن طرفین با سرمایه‌ی مساوی شرکتی ایرانی به نام شرکت نفت ایران و ایتالیا سیرپرا تأسیس کردند. در فاصله‌ی سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۴ قراردادهای مشارکت دیگری منعقد شد که در بین آنها، سهم ایران تا ۷۵ درصد قیمت اعلام شده منهای هزینه‌ی هر بشکه نفت صادراتی تعیین گردید.



#### ۴-۵- قراردادهای خرید خدمت معروف به پیمانکاری

در سال ۱۳۴۵ نخستین قرارداد خرید خدمت بین شرکت ملی نفت ایران و گروه فرانسوی اراپ منعقد شد. طی این قرارداد مؤسسه‌ی اراپ خدمات مالی، فنی و بازرگانی لازم را به نفع شرکت ملی نفت انجام می‌داد. عملیات اجرایی بر عهده‌ی شرکتی فرعی و غیرانتفاعی به نام شرکت فرانسوی نفت ایران (سوفیران) بود که شرکت نفت ایران آن را به عنوان پیمانکار کل و انحصاری خود منصوب می‌کرد. در این گونه قراردادهای مانند قراردادهای مشارکت در صورتی که نفت به مقدار اقتصادی کشف نشود بازپرداخت هزینه‌ها توسط شرکت ملی نفت ایران میسر نخواهد بود. اما در صورت کشف میدان با تولید اقتصادی تمامی هزینه‌های عملیات، منظور شده و به پیمانکار مسترد می‌شود. در قراردادهای خدمت یا پیمانکاری مانند قرارداد شرکت فرانسوی اراپ بیش از ۹۰ درصد درآمد به ایران تعلق می‌گرفت که در قیاس با سایر اشکال قبلی متضمن منافع بیشتری برای کشورمان بود.

#### ۴-۵- قراردادهای فروش و خرید نفت ایران (معروف به کنسرسیوم دوم به سال ۱۳۵۲)

قبل از پایان مدت قرارداد کنسرسیوم که قبلاً در سال ۱۳۳۳ منعقد شد و تحمیل آن بر مردم ایران با مخالفت و فشار بیگانگان و اینکه به دلیل شکست نهضت ملی شدن نفت، کشور به ناچار تا ۱۹۷۳ میلادی آنرا پذیرفته بود و عمل می‌کرد، طی این دو دهه تحولات زیادی در نحوه‌ی عقد قراردادهای نفتی کشورهای هم جوار به وقوع پیوسته بود که با تأسیس سازمان اوپک در ۱۹۶۰، این سازمان حق قیمت‌گذاری نفت را به جای شرکت‌های نفتی به کشورهای تولیدکننده داد. پس از آن قیمت نفت خام با توجه به شرایط بازار، میزان تقاضا و امکان تولید کشورهای مصرف کننده در اجلاس‌های کنفرانس اوپک تعیین می‌شد. بنابراین پس از آنکه کنسرسیوم طرف قرارداد با ایران طبق مفاد قرارداد ۱۳۳۳ ناحیه‌هایی از مناطق قبلی مشمول را به ایران مسترد کرد، دولت، قراردادهای بسیار مطلوب‌تر و با درآمد بیشتری را با سایر شرکت‌ها امضاء نمود. همچنین با توجه به فضای مثبت حاکم بر جهان آن دوران دولت ایران توانست با همان شرکت‌های بین‌المللی عضو کنسرسیوم، قرارداد فروش جدیدی به نام قرارداد فروش و خرید نفت به مدت ۲۰ سال و با شرایطی جدید منعقد کند. این قرارداد که در حقیقت نوعی تجدید نظر در کنسرسیوم نخست بود در تاریخ ۱۳۵۲/۰۵/۰۹ به تصویب نهایی دو مجلس رسید و در نتیجه‌ی آن حاکمیت، مدیریت و مالکیت به شرکت ملی نفت ایران واگذار شد. از جمله تغییرات حاصل می‌توان به کاهش ناحیه‌ی قرارداد به میزان یک سوم، احاله‌ی اداره‌ی پالایشگاه آبادان به شرکت ملی نفت ایران و طراحی و برنامه‌ریزی عملیات سالانه‌ی تولید و صدور نفت اشاره کرد. زیرا از آن پس مسئولیت این امور بر عهده‌ی شرکت ملی نفت قرار داده شد.

#### ۴-۵- قراردادهای فروش مستقیم (معروف به پای پای)

شرکت ملی نفت ایران مانند هر صاحب مخزنی از ابتدا علاقه داشت مستقیماً اختیار فروش و عرضه‌ی نفت خود را داشته باشد. در این زمینه برای نخستین مرتبه در ۱۳۴۶ که روابط کشورمان با کشورهای اروپای شرقی توسعه یافت اعضای کنسرسیوم موافقت کردند حدود ۲۰ میلیون تن نفت خام در اختیار این شرکت بگذارند تا آنرا برای مدت پنج سال جهت معاملات تهاتری با کشورهای اروپای شرقی استفاده کند. سپس در ۱۳۵۲ نیز با توجه به عقد قرارداد فروش و خرید نفت ۱۳۵۲ روزانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت خام در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار داده شد که در ۱۳۵۷ این سهمیه به حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. دلیل این افزایش نیز عملی نشدن تعهدات کنسرسیوم از ۱۳۵۵ به بعد بود.

بنابراین صادرات مستقیم شرکت ملی نفت از مقدار پیش بینی شده بیشتر شد. اهم قراردادهای فروش مستقیم به شرح زیر است:

الف) قرارداد فروش نفت خام به هندوستان و آفریقای جنوبی جهت مصرف پالایشگاه‌های مدرس هند و سالزبورگ آفریقای جنوبی که ایران در این پالایشگاه‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود.

ب) تحویل نفت خام به رژیم اشغالگر قدس و نیز اختصاص مقادیری برای عبور از خط لوله ی ترانزیت اسرائیل که ایران نیز در احداث آن مشارکت داشت.

ج) فروش نفت خام به پنج کشور اروپای شرقی در چهارچوب قراردادهای بازرگانی که پرداخت‌های این معاملات اغلب به شکل تهاتری بود.

د) فروش نفت خام به شرکت نفت یوگسلاوی در ازای اجرای پروژه ی دستگاه تقطیر لوان

ه) تعهدات فروش نفت خام به شرکت‌های مختلف جهان در ازای اجرای طرح‌های صنعتی از قبیل فولاد در بندرعباس و نیروگاه‌های اتمی

و) تعهدات فروش نفت خام در ازای خریدهای وزارت جنگ از قبیل هواپیماهای جنگی، هلی‌کوپترها و سایر ادوات جنگی. لازم به ذکر است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمامی قراردادهای سابق کأن لم یکن اعلام شده، فروش نفت خام کلاً در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت و این شرکت با فروش نفت خام تک محموله و قراردادهای کوتاه مدت (حداکثر ۹ ماهه) عملیات صادرات را انجام داد.

#### ۷-۵- قراردادهای بیع متقابل (معروف به بای بک)

در این نوع قراردادها که عموماً در دسته‌ی قراردادهای خرید خدمت طبقه‌بندی می‌شوند، شرکت سرمایه‌گذار خارجی تمامی وجوه سرمایه‌گذاری مثل نصب تجهیزات، راه‌اندازی و انتقال فن‌آوری را برعهده گرفته و پس از راه‌اندازی به کشور میزبان واگذار می‌کند. بازگشت سرمایه و همچنین سود سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذار از طریق دریافت محصولات تولیدی انجام می‌شود. بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری از محل مایعات گازی، نفت خام و فرآورده‌های نفتی است و امکان پرداخت نیز هم به صورت نقدی و هم به صورت غیرنقدی وجود دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های این گونه قراردادهای به شرح زیر است:

- ۱- شرکت‌های خارجی پیمانکار هستند و وظیفه‌ی تأمین تمامی سرمایه‌ی مورد نیاز را بر عهده دارند.
- ۲- بازپرداخت تمامی مخارج و هزینه‌هایی که پیمانکار در طول پروژه تقبل کرده به همراه بهره‌ی سرمایه‌های استفاده شده و همچنین نرخ توافق شده، از محل درآمد حاصل از فروش نفت یا گاز خواهد بود.
- ۳- نرخ بازده سالانه‌ی سرمایه‌گذاری که متناسب با پروژه متغیر است (معمولاً ۲۰ درصد)، طی اقساط مساوی به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد.
- ۴- پس از پایان دوره‌ی پرداخت اصل، بهره و سود سرمایه‌گذاری‌ها، پیمانکار هیچ‌گونه حقی در میادین نفت و گاز کشور میزبان ندارد.
- ۵- پس از پایان دوره‌ی عملیات اجرایی پروژه، راه‌اندازی و آغاز تولید، کشور میزبان کنترل عملیات را بر عهده خواهد گرفت و مسؤل تأمین هزینه‌ی عملیات جاری خواهد بود.
- ۶- پیمانکار خارجی در این سرمایه‌گذاری‌های مشترک فاقد سهم است.

۷- پروژه‌ها فاقد خطرپذیری اکتشافند؛ زیرا همگی در میادینی با ذخایر اثبات شده‌ی نفت و گاز به اجرا درخواهند آمد. افزون بر این، خطرپذیری قیمت به کشور میزبان منتقل شده و میزبان پرداخت وجوه توافق شده را تضمین کرده است [۲].

## ۶. قرارداد جدید نفتی ایران (IPC)

ویژگی‌های هر قرارداد نفتی را اهداف طرفین قرارداد تعیین می‌کند. شرکت‌های نفتی داخلی و بین‌المللی بنگاههای اقتصادی‌اند که منطقاً در چارچوب ضوابط بنگاهداری، هدفی جز تأمین منافع سهامداران خود در فضای رقابتی ندارند. شرکت‌های ملی نفت به نمایندگی از دولت‌ها می‌بایست تأمین منافع نسل فعلی و نسل‌های آینده از منابع نفتی را مدنظر قرار دهند؛ بنابراین، منطق بنگاهداری ایجاب می‌کند که شرکت‌های نفتی، فارغ از نوع قرارداد و رژیم حقوقی حاکم بر آن، نخست حداقل بازده قابل قبول برای سرمایه‌گذاری‌های خود را با توجه به محدودیت‌های موجود در بازار جهانی سرمایه محاسبه کنند و سپس قراردادی را بپذیرند که عایدی ناشی از آن، در مقایسه با قراردادهای دیگری که در سایر کشورها منعقد کرده‌اند، رقابتی و قابل قبول باشد [۶].

در آذرماه سال ۱۳۹۴ از مدل جدید قراردادهای نفتی ایران با عنوان اختصاری IPC برای توسعه میادین هیدروکربنی کشور رونمایی گردید که جایگزین قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت گردید. IPC یک قرارداد خدماتی بوده و بر خلاف بیع متقابل شرکت پیمانکار در تمامی فازهای اکتشاف، توسعه و تولید حضور دارد و هزینه و دستمزد آن از عواید حاصل از نفت تولیدی در قرارداد پرداخت می‌گردد.

در حال حاضر اصول و چارچوب جدید قرارداد نفتی ایران به استناد جزء (۳) بند (ت) ماده (۳) و ماده (۷) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، به تصویب هیئت وزیران رسیده است. از مذاقه در اصول و ساختار این الگوی قراردادی می‌توان نتیجه گرفت صنعت نفت ایران همچنان علاقه‌مند به حفظ چارچوب‌های قراردادی خانواده قراردادهای خدمت در بخش بالادستی است، زیرا قراردادهای بیع متقابل و الگوی جدید قرارداد نفتی ایران هر دو از نوع قراردادهای خدمت توأم با ریسک به شمار می‌روند. با این حال تغییرات در رابطه با رویکرد صنعت نفت به روابط قراردادی با پیمانکاران و سرمایه‌گذاران بین‌المللی با نظر به جذابیت بیشتر این قراردادها برای پیمانکاران یا سرمایه‌گذاران از یک طرف و حفظ حاکمیت و منافع ملی از طرف دیگر، محسوس است. برقراری روابط قراردادی طولانی، حضور پیمانکار در مرحله تولید و بهره‌برداری، تأکید بر انجام عملیات بهبود و افزایش ضریب بازیافت در طول دوره بهره‌برداری، انجام توسعه مستمر و پلکانی، ارتباطی دستمزد به میزان کار انجام شده، از مهم‌ترین این تغییرات است [۱۵].

### ۶-۱- تفاوت اصلی IPC با قراردادهای بیع متقابل

ویژگی اصلی که قراردادهای جدید نفتی از قراردادهای بیع متقابل را متمایز می‌کند، انعام یا پاداش به ازای هر بشکه نفت است (fee per barrel) که در این قرارداد جدید به «دستمزد» ترجمه شده است. به طور کلی هر هزینه‌ای که مستقیماً یا غیرمستقیماً مربوط به اجرای قرارداد باشد، از محل حداکثر ۵۰ درصد نفت تولیدی از میدان پرداخت خواهد شد. از این رو fee را نمی‌توان دستمزد به معنای مصطلح آن ترجمه کرد. این تصمیم‌ها در حالی است که تصمیم به تغییر مدل قرارداد نفتی بالادستی ایران فراتر از صلاحیت وزارت نفت و حتی قوه مجریه قرار می‌گیرد و نیاز به هماهنگی بین سایر قوا و اجماع حاکمیتی دارد.

در قرارداد جدید نفتی، سقف هزینه‌ها اصطلاحاً «باز» است و پیمانکار می‌تواند به موجب برنامه‌های عملیاتی مصوب برای توسعه، تولید، بهره‌برداری و ازدیاد برداشت هر رقمی را پیشنهاد و در صورت تصویب کارفرما مطالبه کند. ناگفته نماند

که باز بودن سقف هزینه‌های سرمایه‌ای در قراردادهای به اصطلاح نسل سوم بیع متقابل نیز پذیرفته شده بود اما مقید و متناسب با مبلغ سرمایه‌گذاری اولیه بود [۱۶].

## ۷. وجوه اشتراک و تمایز قراردادهای بین‌المللی نفتی

### ۷-۱- وجوه اشتراک

اصولا جوانب مشترک قراردادهای ناشی از عوامل مشترکی است که بدون در نظر گرفتن نوع انعقاد آنها در ۱۵ مولفه زیر، این عوامل دسته‌بندی می‌گردند:

- ۱- مدت قرارداد که به سه دوره «مقدماتی»، «اکتشاف» و «استخراج» زمان‌بندی می‌گردد.
- ۲- انصراف: شرکت‌های نفتی طی مدت زمانی مشخص که در قرارداد تصریح می‌گردد از مناطق معینی که طبق نقشه مشخص گردیده چشم‌پوشی و آن مناطق را در سررسید معین به میزبان تحویل دهند.
- ۳- حفاظت: شرکت بین‌المللی نفتی در موافقت‌نامه قید می‌نماید که حداکثر کارایی فنی را رعایت کند و کشور میزبان با کارشناسان خود می‌کوشد این نکته مهم را عملی نماید.
- ۴- بازاریابی: غالبا چون شرکت‌های نفتی از اعتبار و نفوذ و شناخت سایر رقبا برخوردارند این امر به همان شرکت‌ها واگذار می‌گردد.
- ۵- تعیین تکلیف مالکیت ابزارآلات تولید بعد از پایان قرارداد: در کلیه قراردادهای در مورد سرنوشت ابزارآلات تعیین تکلیف می‌گردد.
- ۶- تضمین عملکرد: در کلیه قراردادهای در بندهایی معین، شرکت نفتی ملزم به عملکردهایی طبق قانون یا توافق‌نامه می‌گردد.
- ۷- رعایت تامین تقاضای داخلی کشور میزبان: شرکت نفتی بین‌المللی ملزم است تقاضای داخلی کشور میزبان را طبق قیمتی که بین قیمت بازار جهانی و هزینه تولید نفت و گاز تعیین می‌گردد، تامین نماید.
- ۸- احداث صنایع جانبی: این امکان در قراردادهای وجود دارد که کشور میزبان بخواهد تا شرکت نفتی مبادرت به احداث صنایع جانبی مانند واحدهای عملیاتی مورد نیاز، پالایشگاه و واحدهای صنعتی دیگر بنماید.
- ۹- سیاست خرید کالا: در اغلب قراردادهای شرکت‌های نفتی عامل ملزم به تامین کالا از منابع داخلی هستند و این کالا و خدمات می‌بایست در شرایط رقابتی تهیه شوند و آگاهی از این سیاست تدارکاتی جهت استفاده تولیدکنندگان داخلی فرصت مفیدی می‌باشد که دولت میزبان برای داخل فراهم می‌نماید.
- ۱۰- آموزش نیروی انسانی: کشور میزبان در اغلب قراردادهای نفتی، شرکت خارجی را به آموزش افراد خود که معمولا از نیروی انسانی جوان گزینش می‌نماید ملزم می‌دارد زیرا به منظور کسب دانش روز و انتقال فن‌آوری‌های بالا این امر مهم برای کشور ضروری است لذا این الزامات شامل تعداد دقیق کارکنان می‌باشد، مدت آموزش توسط میزبان در قراردادهای معین می‌گردد.
- ۱۱- معین کردن سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی: چون تعیین دقیق هزینه‌های مورد لزوم توسعه یک میدان نفت و گاز امکان پذیر نمی‌باشد بنابراین همیشه سقف یا کف هزینه‌های سرمایه‌ای در قرارداد مشخص می‌شود و در کلیه قراردادهای نظارت کشور میزبان بر این هزینه‌ها پیش‌بینی می‌شود.
- ۱۲- الزامات کاری و زمان‌بندی: در غالب قراردادهای حداقل تعداد چاههایی که باید حفر شوند و میزان عملیات اکتشافی که در نظر است صورت گیرد تعیین، و پیمانکار وظیفه دارد طی زمان موردنظر و در سقف هزینه مشخص عملیات مذکور را به اتمام برساند.

۱۳- کمیته مشترک: در غالب قراردادهای دولت میزبان و یا شرکت ملی نفت آن کشور می تواند از طریق کمیته مدیریت مشترکی که خود تعیین می کند بر چگونگی اجرای عملیاتی که شرکت بین المللی نفتی عامل آن است تاثیرگذار باشد.

۱۴- انتشار اطلاعات: به منظور اعمال کنترل بر عملکرد نفتی شرکت میزبان در قرارداد به طور معمول مواردی را ذکر می نماید که شرکت نفتی را ملزم به ارائه کلیات اطلاعات کسب شده طی عملیات می نماید.

۱۵- مرجع حل اختلاف: نکته آخر آنکه طرفین هنگام امضاء قرارداد طی ماده ای عموماً در قراردادهای نفتی معین می کنند که در صورت بروز اختلاف در برداشت از مفاد این قرارداد و یا عدم حسن اجرا و پای بندی هر یک به اجرای تعهدات مندرج در قرارداد چه قانونی حاکم بوده یعنی «قانون پایه» را انتخاب می نمایند و به چه مرجعی یعنی آیا به محاکم کشور ثالث و یا «داوری بین المللی» و یا «حکمیّت» مراجعه نمایند.

## ۷-۲- وجوه تمایز

آنچه یک قرارداد را از سایر قراردادهای مشابه متمایز می سازد اختلاف ساختارها می باشد که به طور خلاصه پنج دسته زیر را می توان به عنوان وجوه اختلاف قراردادهای با همدیگر ذکر نمود:

۱- ساختارهای مالکیتی

۲- ساختارهای عملیات و مدیریت

۳- ساختارهای انتقال فناوری

۴- ساختارهای تقسیم منافع

۵- ساختارهای خطرپذیری [۱۴].

## ۸. مقایسه انواع قراردادهای از نظر مالکیت مخازن

از نظر حقوقی، از جمله مهمترین مباحث درباره ی قراردادهای نفتی نوع مالکیت و حاکمیت بر مخازن است. در بسیاری از کشورها مخازن نفتی ملی اعلام شده است، به خاطر همین اجازه ی حاکمیت شرکت های خارجی و حتی غیردولتی داخلی بر این مخازن داده نمی شود. در جدول ۱ سه دسته اصلی قراردادهای نفتی متداول در جهان را از نظر مولفه های حاکمیتی و ساختار حقوقی مالکیت بر مخازن مقایسه می شود. همانطور که از جدول ۱ برمی آید در قراردادهای امتیازی، تمام مالکیت و در قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری مقداری از مالکیت مخزن به طرف خارجی واگذار می شود. بنابراین استفاده از این نوع قراردادهای با اصل چهار و پنج قانون اساسی در تضاد است؛ البته درباره امکان استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید در چهارچوب قوانین فعلی نفت، بحث و اختلاف نظر وجود دارد؛ اما قراردادهای خدماتی هیچ حق مالکیتی برای شرکت پیمانکار در نظر نمی گیرند، به همین منظور بعد از انقلاب قراردادهای بیع متقابل طراحی گردید. در جدول ۱، برخی از قراردادهای مقایسه شده اند [۱۷].

جدول ۱- مقایسه برخی از انواع قراردادهای نفتی

بیع متقابل	مشارکت در سرمایه گذاری	مشارکت در تولید	امتیازی	
حق مالکیت متعلق به کشور میزبان	مالکیت شرکت عامل بر بخشی از مخازن و	مالکیت شرکت عامل بر بخشی از مخازن و	مالکیت کامل شرکت عامل بر مخازن و	ساختار مالکیت

می باشد	تولید بسته به نسبت سرمایه گذاری	بر بخشی از تولید	تولید		
کنترل عملیات، هزینه و تولید توسط دولت میزبان صورت می گیرد.	از طریق یک کمیته مشترک صورت می گیرد. قابل تغییر بر اساس موافقتنامه عملیاتی	حاکمیت شرکت عامل بر کلیه عملیات اکتشاف، بهره برداری، فراورش، بازاریابی و...	حاکمیت شرکت عامل بر کلیه عملیات مهم از اکتشاف، بهره برداری، فراورش، بازاریابی و...	ساختار عملیات و مدیریت	
در قرارداد، آموزش نیروی انسانی مورد درخواست کشور میزبان پیش بینی شده است.	انتقال تکنولوژی نرم افزار به کندی صورت می گیرد و سرعت آن وابسته به موافقتنامه عملیاتی است.	امکان انتقال تکنولوژی نرم افزاری به صورت بطنی و با گذشت زمان ایجاد می شود.	انتقال تکنولوژی میسر نیست.	ساختار انتقال تکنولوژی نرم افزاری (تکنولوژی سخت افزاری در کلیه ترتیبات قراردادی منتقل می شود و امر آموزش در برخی قراردادها وجود دارد.)	
پرداخت بر اساس درآمد حاصل از فروش محصول متناسب با زمانبندی پس از شروع تولید خواهد بود.	بخشی از تولید طبق قرارداد، نصیب شرکت عامل است. و علاوه بر آن مالیات هم پرداخت می کند.	بخشی از تولید طبق قرارداد، نصیب شرکت عامل می شود. مالیات هم وجود دارد.	منافع کشور میزبان محدود به بهره مالکانه و مالیات است.	ساختار تسهیم منافع	
شرکت عامل	مشترک	مشترک	شرکت عامل	خطر پذیری عملیات	ساختار خطر پذیری
وجود ندارد (قراردادها در مورد میادین کشف شده بوده است).	متوجه سرمایه گذار است.	متوجه سرمایه گذار است.	شرکت عامل	خطر پذیری اکتشاف	

منبع: مطالعات سیاسی نفت و گاز

## ۹. نحوه اعطا قراردادهای نفتی

به طور کلی، دو نوع سیستم برای سپردن و یا برنده شدن قراردادها وجود دارد:  
 ۹-۱- مزایده رقابتی: ارزش منابع نفت و گاز به قیمت روز داده می شود، خیلی از شرکتها قراردادها را بر اساس مزایده- گذاری برنده می شوند. در این حالت شرکتها با پیشنهاد دادن بهترین شرایط با توجه به یک یا چندین متغیر تعریف شده برای برنده شدن در قرارداد با هم رقابت می کنند.

۹-۲- گفتگوهای خصوصی: در این حالت سرمایه‌گذار بدون هیچ دعوت قبلی می‌آید و درخواست بخش خاصی از زمین را می‌کند و سپس برای عقد قرارداد به طور مستقیم گفتگو می‌کند [۱۸].

#### ۱۰. بیشترین مدل‌های مورد استفاده قراردادها

قراردادهای امتیازی برای کشورهایی مناسب است که دارای نواحی عمده‌ی مستعد نفت (اما کشف نشده) و مناطق صعب‌العبور و دارای مشکلات فنی و ریسک زیاد هستند. همچنین کشورهایی که توانایی فنی مشارکت در اکتشاف و توسعه را ندارند ناگزیرند از قراردادهای امتیازی استفاده کنند. ساختار حقوقی کشورها نیز باید امکان مالکیت خصوصی بر مخازن را ممکن بدارد؛ البته در بعضی از قراردادهای امتیازی، شرکت پیمانکار فقط به عنوان نماینده‌ی حاکمیت عمل می‌کند و با پرداخت حق بهره‌ی مالکانه و مالیات به دولت در قالب یک قرارداد امتیازی به تولید و فروش نفت می‌پردازند. ریسک زیاد میدان‌های نفتی در اکثر نفاط جهان به جز خاورمیانه و ساختار حقوقی متناسب، باعث شده است توجه بیشتری به قراردادهای امتیازی در مقایسه با انواع دیگر معطوف شود. علاوه بر این، نفت برای بسیاری از کشورهای غیرنفتی، اهمیت حیاتی ندارد بنابراین دولت‌ها ترجیح می‌دهند به جای درگیری با موضوع مدیریت مخزن و ... میدان‌ها را به صورت امتیازی به بخش خصوصی واگذار کرده و بهره‌ی مالکانه دریافت کنند. بعد از آن، کشورها به قراردادهای مشارکت در تولید و مشارکت در سرمایه‌گذاری بیشتر از سایر انواع قراردادها روی آوردند. قراردادهای خدماتی را نیز فقط کشورهای ایران، مکزیک و عراق استفاده می‌کنند. جدول ۲ انواع تعداد قراردادهای نفتی منعقد شده از هر نوع و پراکندگی آن در جهان را نشان می‌دهد:

جدول (۲) - انواع تعداد قراردادهای نفتی منعقد شده از هر نوع و پراکندگی آن در جهان

نوع قرارداد	تعداد کشورهایی که از این قرارداد استفاده می‌کنند
امتیازی	۵۹
مشارکت در سرمایه‌گذاری	۳۱
مشارکت در تولید	۴۰
ترکیبی	۱۶
خدماتی	۳

منبع: مطالعات سیاسی نفت و گاز - اعداد مربوط به دهه اول قرن بیست و یکم

درباره سهم قراردادهای امتیازی در اروپا و آمریکا باید توجه کرد که ریسک و هزینه تولید نفت در این مناطق بسیار زیاد است. بنابراین مالکان مخازن ترجیح می‌دهند بدون درگیری با مسائل فنی و ریسک‌ها، حق مالکانه خود را دریافت کنند و کاری به عملیات پیمانکار نداشته باشند؛ این موضوع درباره میدان‌های نفتی کشورهای غرب آسیا و مخصوصا ایران

به هیچ وجه امکان پذیر نیست. حسینی رئیس کمیته بازنگری قراردادهای نفتی، در این باره می گوید: «زمانی که مسئولیت مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران را بر عهده داشتیم، طرحی پژوهشی را درباره ی ضریب موفقیت اکتشاف در ایران دنبال کردیم که بر اساس آن مشخص شد به ازای حفر هفده حلقه چاه اکتشافی، چهارده حلقه چاه به هیدروکربور می رسد؛ یعنی ضریب موفقیت بسیار فراوان و ریسک کم در اکتشاف. حالا سوال اساسی اینجاست؛ در جایی که ریسک نبود نفت و گاز کمتر از یک درصد درآمدها برآورده می شود، چرا باید منابع صد برابر خودمان را با یک شرکت خارجی، شریک شویم؟ چرا کالای صد دلاری خودمان را با شریکی که تنها یک دلار هزینه می کند، سهیم شویم؟» [۱۷].

### ۱۱. ملاحظات پیرامون انواع قراردادها

#### ۱۱-۱- قراردادهای امتیازی

اولین اشکالی که به قراردادهای امتیازی مطرح است، سابقه ذهنی منفی است که در مورد آن ها وجود دارد و آن ها را اساسا از قراردادهای استعماری محسوب می کنند. هر چند که هم اکنون نیز همین قراردادها در بسیاری از کشورها اجرا می شوند ولی سابقه ذهنی منفی از آن ها وجود دارد که می بایست مورد توجه قرار گیرند.

#### ۱۱-۲- قراردادهای مشارکتی

هر چند که عده ای قراردادهای مشارکتی را به عنوان قراردادهای جذاب برای سرمایه گذاران و پیمانکاران می دانند و معتقدند که این قراردادها می تواند زمینه تولید صیانتی را نیز داشته باشد ولی در عمل دیده می شود که بسیاری از پیمانکاران این کار را انجام نمی دهند یعنی پس از مدتی که افت فشار اتفاق می افتد و می بایست تزریق گاز بر اساس طرح پیشنهادی انجام گیرد، شرکت بین المللی عملا سرباز می زند و می گوید که طبق کار کارشناسی، تزریق گاز نتیجه نمی دهد.

#### ۱۱-۳- قراردادهای بیع متقابل

با توجه به اینکه این قراردادها، از اساسی ترین قراردادهایی است که امروزه در ایران بسیار رواج دارد، با تامل بیشتری به آن پرداخته می شود. هر چند که قراردادهای بیع متقابل، دارای مزایایی است ولی محدودیتها و تهدیداتی نیز دارد که گاه ذات این قراردادها را نیز زیر سوال می برد، به عنوان نمونه می توان گفت که انتقال فناوری به معنی انتقال دانش نیز باید در این مورد اتفاق بیفتد که عملا رخ نمی دهد یعنی آنچه که منتقل می شود در حالت خوش بینانه، تنها تخصص فنی است که اتفاقا در برخی موارد کشور میزبان نیز در آن تخصص زیادی دارد. ناگفته نماند که همه اشکالات ناظر به ذات قرارداد نیست بلکه می تواند نتیجه ضعف در انعقاد قرارداد باشد که متاسفانه گاه به دلیل عدم تخصص و دقت و تامل مذاکره کنندگان دچار این آسیبها شده است [۳].

### ۱۲. آشنایی با انواعی دیگر از قراردادها در صنعت نفت

باتوجه به سیاست و خط مشی کلان دولت جمهوری اسلامی ایران و موضوع استفاده از حداکثر توان داخلی به منظور دستیابی به اهداف استقلال و خودکفایی کشور و بر اساس برنامه ریزی های به عمل آمده مبتنی بر ملاحظات اقتصادی و ضرورت حداکثر استفاده از بخش خصوصی به منظور ارجاع کارها و خدمات مورد نیاز صنعت نفت، تنظیم و اجرای قراردادها



از جایگاه خاصی برخوردار است. شناسایی مؤسسات و امکانات داخلی و ارزیابی آنها برای برگزاری مناقصات عمده به منظور انتخاب مهندسین مشاور و پیمانکاران ذیصلاح داخلی و انعقاد قراردادهای جامع و عمده با آنان به منظور تحقق اهداف مرتبط با اجرا و راهاندازی پروژهها و طرحهای بزرگ جدید، یا بهینه‌سازی و توسعه طرحهای موجود که پیوسته به صورت کلان به‌ویژه در سطح وزارت نفت مطرح و مورد پیگیری واقع می‌شوند. در صنعت نفت مراحل انعقاد قرارداد به این ترتیب است که پس از تهیه نقشه‌ها و مشخصات اجرایی طرح، اسناد مناقصه منتشر و از پیمانکاران برای شرکت در مناقصه دعوت می‌شوند. پس از بررسی تمام شرایط پیمانکاران و پیشنهادهای پیمانکار برتر انتخاب و قرارداد با وی منعقد می‌شود. در این نوشتار بخشی از قراردادهای رایج صنعت نفت تشریح می‌شود:

#### ۱-۱۲- قراردادهای طراحی (E)

قراردادهایی که فقط مرحله طراحی پروژه را شامل می‌شود به قراردادهای E معروفند.

#### ۲-۱۲- قراردادهای طراحی و خرید (EP)

قراردادهایی که شامل مرحله طراحی و تامین کالای پروژه هستند، قراردادهای EP نام‌گذاری می‌شوند.

#### ۳-۱۲- قراردادهای خرید و ساخت (PC)

پروژه‌هایی که مرحله خرید و ساخت از پیمانکار خواسته می‌شود، حالت PC دارند که اکثر پروژههای کشور از این دسته هستند.

#### ۴-۱۲- قراردادهای (EPC)

اجرای پروژههای بزرگ در صنعت نفت به روش EPC گسترش فراوانی داشته است، تا جایی که بسیاری از فعالیتهای در دست اجرا با بهره‌گیری از این روش انجام می‌شود. پروژههای EPC، دارای اولویت‌هایی همچون سرعت بیشتر و اعمال کنترل مناسب‌تر بر امور و فعالیتهای اجرایی هستند. در این روش عملیات مهندسی، تدارک و تامین و اجرا به صورت موازی با هم و در قالب یک قرارداد انجام می‌شود.

با توجه به این نکته که یکی از نیازهای مهم بازار امروز به ویژه در پروژه‌هایی که به وسیله بخش خصوصی یا به طریق فاینانس انجام می‌شود، داشتن اطمینان از قیمت نهایی و تاریخ قطعی اتمام کار است، اجرای پروژه به صورت EPC، اطمینان بیشتر از قیمت تمام شده و زمان اتمام کار را فراهم می‌کند. روش EPC، برگرفته از سه حرف اول مهندسی (Engineering)، خرید (Procurement) و ساخت (Construction) است. در میان مراحل اجرایی قراردادهای EPC، بخش E به دلیل وابستگی زیادی که با توان اجرایی تیم پیمانکار دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

#### ۵-۱۲- سرمایه‌گذاری خارجی

انواع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بر اساس قانون شامل موارد زیر است:

۱) سرمایه‌گذاری مستقیم یا فاینانس (Finance)

۲) روش ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (BOT Build-Operate-Transfer)

۳) ساخت، تملک، بهره‌برداری (BOO Build – Own – Operate)

الف) ساخت، تملک، بهره‌برداری، واگذاری (BOOT Build-Own-Operate-Transfer)

(ب) ساخت، اجاره، واگذاری (BLT -Build – Lease – Transfer)

(۴) قراردادهای بیع متقابل (Buy Back)

(۵) مشارکت مدنی (JV -Joint Venture) [۱۹].

### ۱۳. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر انواع قراردادهای نفتی در صنعت نفت ایران شامل سه نوع عمده قرارداد نفتی در حوزه اکتشاف، استخراج و توسعه میادین نفتی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به بررسی انواع قراردادهای نفتی بین‌المللی و ارکان آنها پرداخته شد. کلیه قراردادهای نفتی منعقد شده ایران از ابتدا تا کنون به طور عمده به ۷ دسته شامل قراردادهای استاندارد، قراردادهای کنسرسیوم، قراردادهای مشارکت، قراردادهای خرید خدمت، قرارداد خرید و فروش نفت ایران، قراردادهای فروش مستقیم و قراردادهای بیع متقابل طبقه‌بندی می‌شود. همچنین مدل جدید قراردادهای نفتی ایران با عنوان اختصاری IPC که در آذر ماه سال ۱۳۹۴ برای توسعه میادین هیدروکربنی کشور رونمایی گردید و جایگزین قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت گردید مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها و جداول از وبسایت مطالعات سیاسی نفت و گاز استخراج شده‌اند. طی سالیان متوالی شرکت‌های زیادی در چارچوب قراردادهای نفتی مختلف وارد همکاری در حوزه نفت و گاز با ایران شدند؛ ۱۵ مولفه به عنوان وجوه اشتراک قراردادها ناشی از عوامل مشترکی بدون در نظر گرفتن نوع انعقاد آنها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین اختلاف ساختارها یک قرارداد را از سایر قراردادهای مشابه متمایز می‌سازد. بیشترین مدل‌های مورد استفاده قراردادهای مربوط به قراردادهای امتیازی است که ۵۹ کشور از آن استفاده می‌کنند. بعد از آن، ۴۰ کشور به قراردادهای مشارکت در تولید و ۳۱ کشور به قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری بیشتر از سایر انواع قراردادها روی آوردند. قراردادهای خدماتی را نیز فقط کشورهای ایران، مکزیک و عراق استفاده می‌کنند.

هیچ یک از قراردادهای به خودی خود، خوب یا بد نیست. نوع قرارداد تنها چارچوب و ظرفی برای تقسیم منافع ناشی از همکاری است. از این نظر، این که چه نوع قراردادی در چه شرایطی بتواند منافع طرفین قرارداد را تامین کند و ظرف قرارداد با چه مظلوفی پر شود، به عوامل متعدد بستگی دارد. شرکت‌های نفتی و کشورهای میزبان با توجه به شرایط متفاوت، به انواع گوناگون قرارداد علاقه نشان می‌دهند، اما این گرایش عمومی به این معنا نیست که نوع انتخاب شده، بهترین نوع قرارداد است و می‌تواند منافع طرفین را تضمین کند.

مناسبات سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی و قوانین داخلی کشورهای میزبان از جمله عواملی است که ممکن است عقد شکل خاصی از قرارداد را شدنی یا به عکس از عقد شکل دیگری از قرارداد جلوگیری کند. می‌توان گفت که نوع قرارداد به کاری بستگی دارد که می‌خواهد انجام شود. عامل ریسک یکی از متغیرهای بسیار موثر در نوع عقد قرارداد و نرخ‌های آن است. پیچیدگی‌های سیاسی اقتصادی همگی در تعیین قرارداد و نوع آن اثرگذار است. میزان توانمندی‌های یک کشور عامل اساسی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که کشورهای ضعیف به قراردادهایی تن می‌دهند که هزینه فرصت بیشتری برای آنها دارد؛ بنابراین عوامل انسانی، غیرانسانی و مدیریتی خاص در قرارداد نهفته است.

در مورد ایران، "وجود تنش‌های سیاسی با جهان خارج طی دهه شصت خورشیدی و همچنین تحریم‌های اقتصادی و فرامرزی آمریکا سبب شده است، هزینه‌های قراردادی نفتی برای این کشور افزایش یابد، زیرا از دیدگاه صاحب‌نظران در امر و سرمایه‌گذاری خارجی، میزان خطرپذیری ملی از جمله موارد مهم جذب یا دفع سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد، این نکته را نباید از نظر دور داشت که میزان خطرپذیری ملی هر کشور فقط از شرایط سیاسی آن کشور متأثر نمی‌شود و سه زیر گروه دیگر در محاسبه رتبه خطرپذیری ملی از عوامل موثر و تاثیرگذارند که عبارتند از «خطرپذیری سیاست‌گذاری

اقتصادی»، «ساختار اقتصادی» و «نقدینگی» که هر یک به ترتیب ۲۸ درصد، ۲۷ درصد و ۳۳ درصد وزنی میزان خطرپذیری ملی را تشکیل می‌دهند. متأسفانه ایران در رتبه‌بندی خطرپذیری ملی که هر ساله از سوی موسسه معتبر جهانی «واحد تحقیقات اکونومیست» صورت می‌پذیرد، در جایگاه مطلوب قرار نداشته است.<sup>۱</sup> در بین ۱۹ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر وضعیت خطرپذیری ملی ایران را با کسب رتبه D در مقام هفدهم قرار داده و در زمان ارائه این آمار (سال ۱۳۷۹) تنها دو کشور عراق و سودان از نظر این رتبه در وضعیتی بدتر از ایران قرار دارند، ضمناً باید در نظر داشت که این میزان خطرپذیری به طور کلی در منطقه خاورمیانه بالاتر از دیگر نقاط دنیا می‌باشد.

به طور کلی می‌توان مطالب مهم در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز سراسر جهان را از منظر حقوقی در پنج مولفه زیر بیان نمود:

- ۱- آنچه یک قرارداد را برای طرفین رضایت‌بخش می‌کند به نرخ‌های مورد توافق مندرج در آن بستگی دارد و همانگونه که گفتیم هیچ قراردادی را نمی‌توان فقط به دلیل نوع یا چارچوب آن خوب یا بد دانست.
  - ۲- ضعف یا قوت قوانین داخلی، فرسوده یا پیشرفته بودن مجموعه بروکراسی اداری، حضور یا عدم حضور فعال در سطح مجامع معتبر بین‌المللی، آشنایی یا بیگانگی بودن با واقعیات روز اقتصاد جهانی که به تبع آن عدم اعتماد سرمایه‌گذار به دلیل نبود امکانات سالم سرمایه‌گذاری مالی را در پی خواهد داشت، تاثیر تعیین‌کننده‌ای در انتخاب چارچوب قراردادها بر کشورهای نفت‌خیز دارد.
  - ۳- نظام حقوقی صحیح و وجود زمینه‌های نظارت قانونی برای حفظ و توسعه سالم منابع در برقراری نقل امنیت سرمایه در داخل کشور میزبان می‌تواند تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر انتخاب انواع و چگونگی درج شرایط بهینه در قراردادها داشته باشد.
  - ۴- هریک از قراردادهای دارای نقاط قوت و ضعف مخصوص خود هستند. گاهی عدم توجه و یا به عکس اصرار برای دستیابی به یک هدف ممکن است امکان دستیابی به یک هدف دیگر را کاهش و یا مورد افزایش قرار دهد.
- نرخ‌های مورد توافق در هر قرارداد نفتی متأثر از مولفه‌های واقعی همچون شرایط بازار جهانی نفت و انتظارات نسبت به آن، همچنین تحت تاثیر نرخ‌های خطرپذیری اکتشاف و تولید و تجارت هستند. بنا به این دلایل ایجاد شرایطی همچون عضویت در کنوانسیون‌های پذیرفته شده جهانی چه در زمینه سیاسی و اقتصادی یا تجارتي حتی مشارکت و حضور فعال در سطح پیمان‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند به شدت نرخ‌های مذکور در قراردادهای نفتی را به دلیل اعتبار یافتن آن دولت در سطح بین‌الملل به سود دولت میزبان تعیین کند، این مهم در نهایت به نفع مردم آن کشور بوده و در بردارنده منافع ملی و در نتیجه رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی و رفاه عامه مردم ایران که در حقیقت همانا تحقق و رسیدن به اهداف اصلی قانون اساسی است، می‌باشد [۱۴].

## ۱۲. مراجع

۱. مزیدی، م. ر. (۱۳۷۳)، "بررسی اقتصادی قراردادهای نفتی قبل از انقلاب اسلامی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۲. رضائیان‌مهر، م. (۱۳۹۴)، "بررسی ویژگی‌های قراردادهای نفتی بین‌المللی"، ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۲۲.
۳. مطالعات سیاسی نفت و گاز، ۱۳۹۱/۰۷/۰۱، <http://www.icmstudy.ir>

۴. ایرانیپور، ف. (۱۳۸۷)، "انواع قراردادهای نفتی «تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی»"، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، صفحات ۳۸-۲۵.
۵. ابراهیمی، س. ن.، منتظر، م. و مسعودی، ف. (۱۳۹۳)، "اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران"، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۶-۱.
۶. درخشان، م. (۱۳۹۲)، "ویژگی های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران"، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۹، صفحه ۱۱۳-۵۳.
۷. ابراهیمی، س. ن. و شیرجیان، م. (۱۳۹۳)، "قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید"، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۳۹-۱.
۸. امرایی، ف.، کلانتر، ا. و امرایی، ا. (۱۳۹۲)، "نگاهی به برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه در چشم‌انداز صنعت نفت"، فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، سال اول، شماره ۲، صص ۹۲-۷۷.
۹. نوروزی، ح. (۱۳۹۱)، "انتقال تکنولوژی در قراردادهای بیع متقابل توسعه میادین هیدروکربوری ایران"، کتاب صنعت نفت و گاز به زبان غیرفنی، به کوشش عاطفه تکلیف، انتشارات مدیریت پژوهش و فناوری شرکت ملی نفت ایران و پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۷۶۲-۷۴۵، تهران.
۱۰. شافع، م. ش.، رحیمی، ف. ا. (۱۳۹۴)، "دگرپرسی و تکامل مرحله‌ای قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل در بستر حقوق ایران"، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۸، صص ۶۴-۲۹.
۱۱. ابراهیمی، س. ن.، صادقی‌مقدم، م. ح. و س. ن. (۱۳۹۱)، "انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن"، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۴، صص ۱۹-۱.
۱۲. منتظر، م.، ابراهیمی، س. ن. (۱۳۹۲)، "دلایل استفاده از قراردادهای بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران"، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و نهم، شماره ۴۷، صص ۴۵-۳۱.
۱۳. عامری، ف.، تولایی، ر.، میرفتاح، س. م. (۱۳۹۷)، "مدیریت دانش در قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت ایران: رویکرد معادلات ساختاری"، فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی سال چهارم شماره ۱۱، صفحات ۶۵-۳۵.
۱۴. بقایی، د.، وثوقی فرد، ب.، حبیبی، ه. (۱۳۹۸)، "بررسی الگوی مناسب مخاطره اخلاقی در شروط غیر مالی قراردادهای نفت و گاز"، پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، شماره سه، صفحات ۱۰۸-۸۹.
۱۵. امامی میبیدی، ع.، هادی، ا. (۱۳۹۶)، "ارزیابی نظام مالی قراردادهای نفتی بیع متقابل و قرارداد جدید نفتی ایران با استفاده از تکنیک TOPSIS"، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال سیزدهم، شماره ۵۵، صفحات ۱۰۶-۶۹.
۱۶. مرکز جریان سازی قرارگاه شهید باقری، سازمان بسیج دانشجویی، تهران. <http://www.q-b.ir>
۱۷. غیاثی، ج. (۱۳۹۶)، "قراردادهای نفتی (مروری بر انواع قراردادهای نفتی مسائل غیرقراردادی مرتبط و سیاه و سپید قراردادهای جدید)"، کاری از گروه اقتصاد روزنامه خراسان.
۱۸. طوسی، ا. "اصول قراردادهای نفتی". [toosi@nioc.ir](mailto:toosi@nioc.ir)
۱۹. مشعل، "انواع قراردادها در صنعت نفت"، نشریه کارکنان صنعت نفت ایران، شماره ۸۳.